

Opportunities and Challenges of Regionalism in West Asia after the Cold War: Providing Strategies

Mohammad Hassan Mohaqeq ¹

Ph.D. student, Qur'anic and Hadith Sciences, Al-Mustafa International University

Received: 2022/05/24 | Accepted: 2022/05/27

Abstract

The politically and economically strategic location has given special importance to West Asia region. Many developments in international relations are linked to this sensitive and strategic place. Considering the situation of West Asia, the main question addressed in this article is the opportunities and threats of regionalism in West Asia in the post-Cold War period and what are the strategies to achieve that? It examines the opportunities and threats of West Asia after the collapse of the bipolar structure and bilateralism. This collapse has provided a significant opportunity for the West Asian countries to solve the problems, get rid of the bipolar structure, and strengthen regional integration. However, the threats involved this region have entailed many challenges and conflicts for the region that can be resolved by grasping the opportunities. Similarly, West Asia has very valuable strengths within itself, which can control the weak points in the countries of the region; but the problems, crises, and instabilities in are the result of threats and weaknesses that have created major obstacles in the process of political, economic, and security development. In order to get out of this current situation in West Asia, strategies have been proposed that are controlled by combining opportunities and strengths, threats and weaknesses in the light of strategies.

Keywords: opportunities, threats, Cold War, West Asia, regionalism, strategies.

فرصت‌ها و تهدیدهای منطقه‌گرایی در غرب آسیا بعد از جنگ سرد و ارائه راهبردها

محمد حسن محقق^۱

دانش آموخته دکتری قرآن و علوم، گرایش سیاسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶

چکیده

موقعیت استراتژیک سیاسی، اقتصادی و سوق‌الجیشی اهمیت ویژه‌ای برای غرب آسیا داده است که بسیاری از تحولات روابط بین‌الملل در پیوند با این منطقه حساس و راهبردی قرار دارند. با توجه به موقعیت غرب آسیا، سوال اصلی مقاله فرصت‌ها و تهدیدهای غرب آسیا در جهت منطقه‌گرایی در مقطع پس از جنگ سرد و راهبردهای نیل به آن کدام است؟ که بعد از فروپاشی ساختار دوقطبی، فرصت‌ها و تهدیدهای غرب آسیا را مورد بررسی قرار داده است و فروپاشی ساختار دوقطبی فرصت قابل توجه‌ای برای کشورهای غرب آسیا فراهم آورده‌اند که از این فرصت پیش‌آمده در جهت حل مسائل و رها شدن از ساختار دوقطبی و تقویت همگرایی منطقه‌ای استفاده نمایند. لکن تهدیدهای که غرب آسیا را درگیر نموده است، چالش‌ها و منازعات متعدد را برای منطقه فراهم کرده‌اند، با توجه به فرصت‌ها، آن‌ها را می‌توانند رفع نمایند. همین‌طور غرب آسیا نقاط قوت بسیار ارزنده‌ای را در درون خود دارد که به واسطه آن‌ها، نقطه‌های ضعف که در درون کشورهای منطقه وجود دارند قابل کنترل است؛ اما مشکلات، بحران‌ها، بی‌ثباتی‌های موجود در غرب آسیا معلول تهدیدها و ضعف‌ها می‌باشند که موانع بزرگ را در فرایند توسعه سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایجاد کرده‌اند. برای برون‌رفت از این وضعیت موجود غرب آسیا، راهبردهای مطرح‌شده است که با ترکیب فرصت‌ها و قوت‌ها، تهدیدها و ضعف‌ها در پرتوی راهبردها مهار می‌شوند.

واژگان کلیدی

فرصت‌ها، تهدیدها، جنگ سرد، غرب آسیا، منطقه‌گرایی، راهبردها.

مقدمه

آسیای غربی از ظرفیت‌ها، امکانات و انگیزه‌های عمیقی برخوردار است که از طریق مدیریت و حکومت‌داری شایسته، شناخت فرصت‌ها و به کارگیری آن در مواجهه با تهدیدها و چالش‌ها پیش رو می‌تواند به سمت منطقه‌گرایی با فرایندهای درون منطقه‌ای به نفع کشورهای آن هدایت شود. فروپاشی ساختار دوقطبی باعث گردیده که فرصت‌های همگرایی غرب آسیا افزایش یافته و ظرفیت‌های راهبردی را به سوی منطقه‌گرایی در اختیار کشورهای غرب آسیا قرار داده است که با توجه به نقاط قوت خودها و کنار گذاشتن نقاط ضعف‌ها و حداقل کم نمودند ضعف‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل از انسجام و همبستگی برخوردار گردند. از این رو بحث و بررسی دقیق و علمی این موضوعات می‌تواند به شکل‌گیری و استقرار نظم امنیتی پایدار در منطقه غرب آسیا کمک شایانی کند و همین‌طور امکان نقش فعال آن را در نظام بین‌الملل آینده فراهم نماید.

چارچوب نظری

این پژوهش با استفاده از مدل سوات به بررسی عوامل مؤثر درونی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل تأثیرگذار بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) بر مسائل سیاسی غرب آسیا می‌پردازد. واژه Swot برگرفته از این لغات می‌باشد. S; strength به معنی قدرت. W; Weakness به معنی ضعف. O; Opportunity به معنی فرصت. T; Threat به معنی تهدید. در حقیقت از این روش می‌توان به عنوان ابزاری جهت شناسایی مسائل استراتژیک و ارائه راهبردهای مناسب کشورهای غرب آسیا استفاده نمود. بدین ترتیب مدل سوات از چهار اصطلاح فرصت، تهدید، قوت و ضعف تشکیل شده است که چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر اساس آن استوار گردیده است.



در این مقاله تلاش می‌شود با توجه به مدل بیان‌شده فرصت‌ها و تهدیدهای غرب آسیا جهت حرکت به سمت منطقه گرایی در دوره پس از جنگ سرد مطالعه شود.

تعاریف مفاهیم کلیدی

مفهوم منطقه غرب آسیا می‌تواند تمامی کشورهای منطقه و نظام‌های فرعی منطقه‌ای را در عین استقلال‌شان دربر گیرد. (محمد رضا مجیدی و احمد خامسان، ۱۳۸۸، ص ۵۴۷) فرهنگ خاص علوم سیاسی فرصت را این‌طور معنی نموده است. «این واژه که از ریشه لاتینی (OPPORTUNUS) به معنای به‌موقع و هنگام گرفته شده است، به مفهوم تغییر جهت دادن برحسب دگرگونی اوضاع به خاطر سود شخصی هست.» (حسن علیزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴). تهدید به مجموعه شرایط و وضعیت‌های گفته می‌شود که در محیط عملیاتی سیاست خارجی تأثیر منفی گذاشته، مانع دستیابی به اهداف سیاست خارجی می‌شود. (جان پیرس، ۱۳۸۰، ص ۳۲۰). قوت به مجموعه‌ای از منابع قدرت در دسترس گفته می‌شود که برای

کارآمد کردن سیاست خارجی و تأثیری گذاری بیشتر بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به کار می‌رود. ضعف به مجموعه شرایط و وضعیت‌های گفته می‌شود که باعث ناکارآمدی و یا عدم بهره‌گیری از فرصت‌ها در سیاست خارجی در یک محیط عملیاتی می‌گردد. (همان) منطقه‌گرایی معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت region به معنای منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است؛ اما در ادبیات روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی یا رژیونالیسم هنگامی به کار می‌رود که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند. (غلامرضا علی بابایی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲). راهبرد: سیاست، نقشه، طرح، طراحی و استراتژی. (مهدی نوروزی خیابانی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۴). واژه جنگ سرد، به‌طور خاص اشاره‌ای به رابطه‌ای بین دولت‌های غربی و اتحاد جماهیر شوروی سابق از اواسط ۱۹۴۰ میلادی تا پایان سال‌های ۱۹۸۰ میلادی دارد. (علی رحیق اغصان، ۱۳۸۴، ص ۶۴).

۱. فرصت‌های غرب آسیا

برای غرب آسیا فرصت‌های بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمد که با توجه به فرصت‌های پیش‌آمده در فرایند همگرایی منطقه حرکت نماید و از اختلاف‌های موجود بکاهند، در راستای نظم نوین منطقه‌ای پیش بروند. دخالت‌های بیگانگان خصوصاً قدرت‌های بزرگ را از امور منطقه قطع نمایند. از این رو شایسته است که مؤلفه‌های فرصت‌ها را به‌طور گذرا مطرح نماییم تا روشن شود که این مؤلفه‌ها، در روند صلح و توسعه پایدار در جهت ساختار نوین منطقه‌ای بسیار کمک‌کننده است.

۱-۱. فروپاشی ساختار دو قطبی

فروپاشی ساختار دو قطبی یکی از تحولات بسیار مهم جهانی بود که بسیاری از

تغییرات را در سراسر جهان به دنبال داشت؛ زیرا کشورهای جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود. زمانی که فروپاشی یکی از ساختارهای قدرت جهانی شکل گرفت، بسیار از رقابت‌ها و کشمکش‌های ایدئولوژیک فرو ریخت و عده زیادی از کشورهای وابسته و اقمار به بلوک شرق از قیدوبند رها شدند و احساس آزادی به آن‌ها دست دادند. پایان جنگ سرد و از میان رفتن نظام دوقطبی در روابط بین‌الملل و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را فراروی نظام بین‌الملل قرارداد. بالاخره «سیستم بین‌الملل بعد از جنگ سرد، با شکستگی و تعدد بازیگران، به هم‌ریختگی قواعد بازی گذشته و دگرگونی در محیط عمل سیاسی همراه شد.» (محمد رضا مجیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴). بنابر این فروپاشی ساختار دوقطبی مزیت‌ها و فرصت‌های را برای غرب آسیا فراهم نمود.

۲-۱. خروج از استیلای قدرت‌های برتر جهانی

در دهه ۹۰ میلادی با پایان جنگ سرد، ما شاهد آزادسازی نیروی‌های منطقه‌ای بودیم. این نیروها در نیم‌قرن پیش از آن، از سوی ابرقدرت‌ها سرکوب می‌شدند و امکان ظهور و بروز نداشتند. (دیوید ای، لیک و پاتریک ام. مورکان، ۱۳۸۱، ص ۱۶). بسیاری از کشورهای غرب آسیا، مانند مصر، سوریه، یمن شمالی، یمن جنوبی و عراق تحت سیطره بلوک شرق بودند. همین‌طور کشورهای دیگری غرب آسیا در سیطره آمریکا و هم‌پیمانان آن‌ها قرار داشتند که لاجرم بسیاری از سیاست‌های کلان خود را هماهنگ با اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا اتخاذ می‌کردند، به گونه‌ای که تکلیف بازیگران، قواعد بازی و محیط بازی در دست‌های سیستم دوقطبی بودند، در سیستم جنگ سرد، در سطح بین‌المللی و کلان، مدیریت بازی و بسته‌بندی آن توسط بلوک شرق و غرب اداره می‌شدند. (محمد رضا مجیدی، پیشین، صص ۱۴۱-۱۴۲). از این رو بود که «امنیت دولت‌های دیگر شدیداً تحت تأثیر معنا و معادلات امنیتی موردنظر دولت هژمون قرار می‌گرفت.» (محمود یزدان فام، ۱۳۸۷، ص ۷۳۴).



۳-۱. فرصت اعتماد سازی و نش زدایی

سیاست اعتماد سازی و تنش زدایی به عنوان پارادایم صریح سیاست کشورهای غرب آسیا، می تواند تأثیر به سزایی در ارتقای جایگاه منطقه ای آن داشته باشد. «این پارادایم در مناطق دیگری چون اروپا، آمریکای جنوبی و شرق آسیا تجربه شده است و پس از جنگ سرد، اولین بار برای حدود دو دهه تا پایان آن و یک دهه پس از آن یکی از پارادایم های اصلی کشورهای قاره اروپا و آمریکای شمالی بود. این رژیم با کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در اجلاس هلسینکی آغاز گردید و تأثیر و کارایی خود را در امنیت منطقه ای اروپا به جای گذاشت و الگوی برای رژیم امنیتی سایر مناطق شد. (سید حسین موسوی، ۱۳۸۶، ص ۷۹). رویکرد اعتماد سازی به عنوان یک بدیل، بارها در روابط خارجی کشورها مورد توجه قرار گرفته است و سابقه ای به بلندای قدمت روابط خارجی بین بازیگران سیاسی دارد. (همان)

۴-۱. زمینه سازی ایجاد امنیت دسته جمعی

ادراکات، نگرانی ها و ملاحظات امنیتی عمده کشورها در منطقه غرب آسیا چنان درهم تنیده و به هم پیوسته است که عملاً نمی توان امنیت ملی آنان را کاملاً مجزا و مستقل از هم تصور و تلقی کرد. به گونه ای که امنیت ملی کشورهای این منطقه در چارچوب امنیت منطقه ای تعریف و تأمین می شود. (علی عبدالله خانی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۵)

بنابراین رویکرد امنیت دسته جمعی برای کشورهای غرب آسیا بهترین فرصت است که می توانند با این رویکرد تهدیدات را مهار نمایند و به سوی همگرایی حرکت کنند. به گونه ای «که همکاری یک معیار مهم در مدیریت ناامنی می باشد و نظام امنیت دسته جمعی می تواند باعث تقویت و تعمیق پایه های رفتار همکاری آمیز کشور های غرب آسیا گردد. (همان)



۱-۵. جهانی شدن ارتباطات و اطاعات

جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات این امکان را برای کشورهای غرب آسیا ایجاد کرده است که بتوانند به عنوان یک فرصت برای همگرایی و همسوی از آن بهره ببرند. از این رو «عصر حاضر، عصر ارتباطات و اطلاعات است، عصری که در آن رسانه اعم از سنتی و نوین نقشی مهم در شکل گیری و جهت دهی افکار عمومی در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و جهانی ایفاء می کند. اینترنت و شبکه های اجتماعی با جای دادن طیف گسترده ای از بازیگران و کششگران سیاسی- اجتماعی در فضایی مجازی می باشند؛ از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی- اجتماعی و فرهنگی هستند و از سوی دیگر منبعی مهم در ارائه آگاهی های سیاسی- اجتماعی در جهان، عامل ارتباط فعالان سیاسی با مردم و سرانجام برانگیزاننده مهم رفتارهای اعتراضی و بسیج اعتراض ها در جهان به شمار می روند. (آرمین، امینی و مرتضی اکبری، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵).

۱-۶. افزایش نقش و اهمیت بازیگران غیردولتی

در این مجال، ضمن مروری کوتاه بر زمینه ی شکل گیری و فعالیت گروه های اسلامی اشاره ای به برخی از گروه ها به منظور مدیریت فضای سیاسی و امنیتی غرب آسیا داشته باشیم. «به لحاظ تاریخی، یکی از دلایل قدرتمند شدن جنبش های اسلامی و ایجاد موجی از تحرک در کشورهای اسلامی، جستجوی یک فرهنگ اصیل بومی است که بتوانند نوعی حس، غرور، عزت نفس و ارزش محوری دینی ایجاد کرد. ایدئولوژی های عمدتاً سکولار- چه هوادار سرمایه داری و چه هوادار سوسیالیسم- که نخبگان حاکم و طبقات دارای مشاغل مهارتی در برخی از جوامع اسلامی به آن ها باور داشتند، معمولاً چیزی به طبقات متوسط و پائین عرضه نمی کرد و فقط احساس تحقیر فرهنگی و فناورانه را در آن ها به وجود می آورد و آن ها از نابودی تدریجی ارزش های اخلاقی موردستایش خود احساس می کرد.» (جیمیز، دفرونزو، ۱۳۷۹، ص ۹۷). از طرف دیگر، گروه های مختلف اسلامی از نیروهای



قدرتمند پیکارگر در غرب آسیا علیه استبداد و استعمار بوده‌اند. (محمد رضا، رستمی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۲). همانند گروه حزب الله و گروه‌های فلسطینی نه گروه‌های القاعده و سلفی-تکفیری.

ب: تهدیدهای همگرایی منطقه‌ای غرب آسیا

تهدیدهای متعدد برای توقف روند همگرایی منطقه‌ای کشورهای اسلامی غرب آسیا وجود دارند از جمله تهدیدها، مداخله‌های قدرت‌های بزرگ می‌باشند، بویژه «غرب به سرکردگی آمریکا برای جلوگیری از تحقق نظم منطقه‌ای اسلامی تلاش فزاینده‌ای را در ایجاد ترس از اسلام به عمل آوردن» (فرهاد اعطایی و فهیمه سر دشتی، ۱۳۸۹، ص ۷۴).

۲-۱. مداخله نظامی آمریکا در منطقه

پنتاگون با پایان جنگ سرد و تضعیف موقعیت شوروی سابق در غرب آسیا و بویژه موقعیت آن کشور در نزد دولت‌های خط مقدم عربی، حمله عراق به کویت و اشغال نظامی آن کشور را مستمسک مناسبی برای لشکرکشی به خلیج فارس و استقرار در این منطقه فوق‌العاده حساس به لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی قرار داد. (علی، عبد الله خانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۰). حضورش را در منطقه لازم و ضروری می‌پندارد. (غلامرضا خسروی، ۱۳۸۷، ص ۵۳). به گفته چامسکی، «حضور نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا، اساساً به دلیل کنترل تولید نفت صورت می‌گیرد.» (نوام چامسکی، ۱۳۸۸، ص ۶۳). حتی آمریکائی‌ها بعد از جنگ سرد احساس کردند که اسلام و اسلام‌گرایی به مدد شرایط فناوری و ارتباطات جدید قادر به تولید انسان‌های است که می‌توانند در روند بین‌المللی تأثیرگذار شوند و حتی عمیق‌ترین ضربات را به آمریکا وارد آورند. در نتیجه می‌کوشد بانام دموکراسی به جنگ مسلحانه با گروه‌های رود که تفکر و باورهای غیر آمریکایی و یا ضد آمریکایی دارند. (ابراهیم متقی، ۱۳۹۳، ص ۴۷۲). بنابراین یکی از تهدیدهای اصلی همگرایی و همسوی میان

کشورهای غرب آسیا و از بین بردن فرصت‌های منطقه حضور و مداخله نظامی آمریکا در منطقه می‌باشد

۲-۲. رویاروی آمریکا با اسلام سیاسی

آمریکائی‌ها بعد از فروپاشی شوروی دشمن اصلی خود را تمدن اسلامی و اسلام سیاسی می‌داند، مرکز اسلامی سیاسی را در منطقه غرب آسیا به حساب می‌آورد که این منطقه است که محوریت اساسی را در فرایند اسلام سیاسی دارد. از این رو می‌توان گفت که توجیه حضور نظامی آمریکا، در منطقه مهار اسلام سیاسی می‌باشد، آمریکا اسلام سیاسی را به عنوان تهدیدکننده منافع و دشمن اصلی خود در منطقه غرب آسیا می‌داند. «آمریکائی‌ها دیروز در جنگ سرد خطر اصلی را، نفوذ کمونیسم در جهان می‌دانستند و مهار مطلق شوروی در دستور کار آن‌ها بود، امروز نفوذ اسلام سیاسی را خطر اصلی می‌دانند و مهار ایران و گروه‌های اسلامی را در دستور کار قرار داده‌اند.» (حسین صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰). از این رو بود که آمریکائی‌ها طرح خاور میانه بزرگ را مطرح نمود.

۲-۳. طرح خاورمیانه بزرگ

طرح خاورمیانه بزرگ، از سوی جورج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا ارائه شد. (همان، ص ۱۱). آمریکائی‌ها بر اساس این طرح اهداف را دنبال می‌نمود. از جمله: تغییر نظام آموزشی مدارس و دانشگاه‌های کشورهای خاورمیانه و جایگزینی الگوی غربی. - کنار گذاشتن حاکمان سنت گرا و روی کار آوردن حاکمان نوگرا لیبرال‌های متمایل به غرب. - بسترسازی برای خارج کردن زنان از قیدوبندهای سنتی و مذهبی و افزایش نقش زنان در جامعه با معیار غربی - ورود دموکراسی به حیات سیاسی نظام‌های منطقه از طریق آزادی عمل رسانه‌های گروهی و سازمان‌ها و گروه‌های مدافع حقوق بشر - کنترل منطقه و دستیابی به منابع طبیعی آن، بویژه نفت و دستیابی به بازارهای جدید - تنگ کردن عرصه بر گروه‌های مقاومت، قطع کلیه کمک‌های مادی و معنوی به گروه‌های فلسطینی - تحمیل قدرت برتر نظامی و



تکنولوژی پیشرفته اسرائیل بر کشورهای موجود غرب آسیا. اخذ تضمین‌های امنیتی لازم از دولت‌های عرب منطقه برای حفظ بقائی اسرائیل. ریشه‌کن کردن یا تعدیل گروه‌های متهم به تروریستی در غرب آسیا، کنترل کامل بر منابع انرژی غرب آسیا. (ابراهیم متقی، پیشین، ص ۱۳۴).

۲-۴. مقابله با هویت اسلامی در حوزه ژئوپلیتیک غرب آسیا

هدف آمریکا از طرح خاورمیانه بزرگ را می‌توان، در راستای محدودسازی و نابودی فرهنگ اسلامی مورد توجه قرارداد و می‌توان به این جمع‌بندی دست‌یافت که تعبیر جهان اسلام و تعابیر مترادف با آن چون امت اسلامی، در تحلیل سیاسی آمریکا به هیچ‌عنوان به رسمیت شناخته نمی‌شود. آمریکائی‌ها، بهره‌گیری از این واژه‌ها را به عنوان نماد اسلام سیاسی تلقی می‌کنند. به همین دلیل است که در طرح خاورمیانه بزرگ تلاش دارند تا اعتبار و کارآمدی چنین مفاهیمی را به حداقل ممکن کاهش دهند. (همان، ص ۱۴۰). مقابله با هویت اسلامی و گسترش فرهنگ آمریکایی تحت عنوان ایجاد دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد در منطقه، از مهم‌ترین اهداف آمریکا در اتخاذ استراتژی نظم نوین جهانی؛ یعنی خاورمیانه بزرگ می‌باشد. (حسین صادقی، پیشین، ص ۸۷).

۲-۵. جهانی سازی

جهانی سازی در پی از بین بردن حاکمیت‌ها و مرزهای کشورها و دولت‌های فقیر و در حال توسعه می‌باشد که بتواند سلطه سیاسی و اقتصادی خود را، از این طریق بگستراند. «جهانی سازی هویت فرهنگی بسیاری از کشورها را با یاری جستن از ابزارهای ارتباطاتی و فناوری‌های نوین، تهدید می‌کند. همین‌طور این نظم نوین جهانی زمینه شکل‌گیری شکاف‌های تازه‌ای بین جوامع پیرامونی و مرکز پدید آورده که از قابلیت بالایی برای ایجاد منازعه و درگیری برخوردار است.» (مجید تهرانیان، ۱۳۸۰، صص ۲۳۲-۲۳۳). هدف اصل جهانی‌سازی متمرکز بر غرب آسیا

است که این منطقه خود را با برنامه‌های جهانی‌سازی وفق دهند. به تعبیر شولت «جهانی‌سازی در خود غربی شدن و یا غربی کردن را دارد متجدد شدن و یا متجدد کردن را دارد و یا آمریکایی شدن و یا آمریکایی کردن را دارد. از این منظر، جهانی‌سازی حذف یا امحاء گوناگونی‌های اجتماعی، به نفع یک صورت یا الگوی واحد می‌باشد که به شکل همه‌جانبه، کل جهان اجتماعی را با تمام تنوعات و تفاوت‌های آن در یک واحد کلان به نام جهان ادغام کرده و یا می‌کند. (حسین کچویان، ۱۳۸۶، ص ۶۵). سرژلاتوش نیز هدف «جهانی‌سازی را مرحله‌ای دیگر از فرایند غربی‌سازی می‌داند. (رضا ثانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

ج: نقاط قوت غرب آسیا

کشورهای غرب آسیا دارای نقاط قوت هستند که می‌توانند در فرایند همگرایی منطقه‌ای و توسعه سیاسی و پیشرفت اقتصادی نقش اساسی را بازی کنند. قوت‌های که از درون کشورهای منطقه نشأت می‌گیرند با بهره‌گیری از آن‌ها ساختار امنیتی‌اش را به بهترین وجه تقویت نمایند و در راستای صلح پایدار و آرامش داخلی خود استفاده نمایند.

۳-۱. شکل‌گیری محور مقاومت

محور مقاومت اصطلاحی سیاسی است که نخستین بار توسط روزنامه لیبایی (به عربی: الزحف الأخضر) در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو بوش ۲۰۰۲ مطرح گردید، عنوان شد. محور مقاومت در پی عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی، است. (ابوالفضل کریمی، ۱۳۹۶، ص ۲). مقاومت، انقلابی است که در برابر اشغالگری بیگانه اسلحه می‌کشد و به آزادی و استقلال فرامی‌خواند یا در برابر استبداد و ستم می‌ایستد، می‌کوشد ملت و وطن خود را در راستای اصلاحات یا موضوعی ملی و عمومی، بر خیزانند. (اندیشمندان جهان اسلام، ۱۳۹۰،



صص ۲۷۹-۲۸۰). اندیشه محور مقاومت در بین ملت‌های تحت ستم منطقه همانند سوریه، لبنان، فلسطین و عراق به گفتمان غالبی تحت عنوان گفتمان مقاومت تبدیل شده است. (حسین اکبری، ۱۳۸۸، ص ۵۳). محور مقاومت آرمان‌گرایی واقع بینانه دارد که بدنبال عدالت خواهی و امت محوری است که در مقابل بی‌عدالتی‌ها و زورگویان منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای و رژیم اشغال‌گر صهیونیسم و تکفیری‌ها ایستاده است.

۲-۳. محدود شدن قدرت اسرائیل

تولد نامشروع این رژیم در منطقه غرب آسیا، وضعیت پیچیده‌ای را از لحاظ امنیتی رقم زده است که از زمان «ایجاد اسرائیل در سال ۴۸-۱۹۴۷، به اقداماتی چون پاک‌سازی قومی، اعدام‌ها، کشتارها و هتک نوامیس توسط یهودیان انجامید و رفتارهای اسرائیل هم اغلب وحشیانه بوده و با هرگونه ادعایی در مورد ارجحیت اخلاقی آن ناسازگار بوده است.» (علیرضا کوهکن، ۱۳۸۷، ص ۲۴۶). از این رو همگرایی منطقه‌ای غرب آسیا را می‌طلبد که رژیم اسرائیل را از نگاهی سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی مورد کنترل قرار دهند؛ حتی رژیم صهیونیستی بیرون از مرزها با بحران مشروعیت روبه‌روست. این امر بویژه بین کشورهای عربی و اسلامی منطقه حادثتر است. هم‌اکنون اکثر کشورها این رژیم را در کرانه باختری رود اردن، نوار غزه و بیت‌المقدس شرقی اشغالگر و حضور این رژیم را در کل بیت‌المقدس نامشروع می‌دانند. برخی اسرائیل را به‌طور کلی نامشروع و عضویت مشروط این رژیم را در سازمان مل متحد برای مشروعیت ناکافی می‌دانند. علاوه آن یهودی‌های که از گوشه و کنار جهان به اسرائیل مهاجرت کرده بودند؛ ولی بعد از مدتی دست به مهاجرت معکوس زدند و از اسرائیل خارج شدند و یا این که در حال خارج شدن از اسرائیل می‌باشند که این روند ضربه‌ای محکمی در فرایند مشروعیت اسرائیل هست. (حمید رضا دهقانی، ۱۳۸۷، ص ۳۷). بنابر این همگرایی منطقه‌ای کشورهای

اسلامی و عدم مشروعیت بین المللی رژیم اسرائیل محدودیت برای قدرت اسرائیل می باشد. همین طور بحران های اجتماعی و جمعیتی و محکومیت های فشارهای بین المللی تهدیدی برای قدرت اسرائیل به حساب می آید.

۳-۳. بیداری اسلامی

بیداری اسلامی یک پدیده میمون و مبارک بود که از بین توده های مردم مسلمان منطقه ظهور و بروز نمود و اکنون حضور قدرتمند این حرکت در معادلات سیاسی جهان به گونه ای شکل گرفته است که به وضوح قدرت های بزرگ را به وحشت انداخته که می تواند همه ی معادلات استکبار را در این منطقه به سود اسلام و به سود ملت ها دگرگون سازد. عزت و کرامت را به ملت های عرب و امت اسلامی برگرداند و غبار ده ها سال رفتار ظالمانه و تحقیر و تذیلی را که از سوی آمریکا و غرب و قدرت های بزرگ بر این ملت های کهن و ریشه دار وارد آمد، از سر و روی آن ها پاک کند. (سیدعلی، خامنه ای، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲). به هر حال با جرأت می توان گفت که «حساس ترین بخش های جهان اسلام را نهضت بازگشت اعاده عزت و هویت و رهایی فرا گرفته بود. ملت های عرب، دیکتاتورهایشان را نمی خواستند، سیره دست نشانده گان و طواغیت را برخورد، دیگر تاب نمی آوردند، از فقر و عقب ماندگی و تحقیر و وابستگی به ستوه آمده اند، سکولاریسم را در سایه سوسیالیسم و لیبرالیسم و ناسیونالیسم قومی آزمودند و همگی را بن بست یافتند.» (همان، ص ۱۳۶).

۳-۱-۳. هدف بیداری اسلامی

هدف بیداری اسلامی احیاء هویت اسلامی بوده و می باشد. هویت اسلامی؛ یعنی خود آگاهی جمعی که مردم کشورها به اصالت ها، ارزش ها و میراث اسلامی خود داشته باشند. نبود چنین آگاهی اجتماعی به وجود و هستی اجتماعی اسلامی خود، سبب وابستگی به کشورهای استعمارگر و در نتیجه، نخستین عامل نفوذ فرهنگی کشورهای سلطه گر شد. (بتول یوسفی، ۱۳۹۱، صص ۲۱۰-۲۱۱).



د: نقاط ضعف غرب آسیا

از چالش‌ها و نقاط ضعف جهان اسلام بویژه غرب آسیا گروه‌های هستند که این منطقه را، بلکه کل جهان اسلام را تهدید می‌کند «در زمان معاصر، گروهی تندرو و ناآگاه از اصول و مبانی آئین محمدی، اسلام و ایمان را گویی برای خود احتکار کرده و از میان همه مسلمانان، فقط گروه اندکی را مؤمن می‌دانند و دیگران را کافر و مه‌دور الدم می‌شمزند. ریشه این نوع تکفیرها به عصر ابن تیمیه (ت ۷۲۸) و پس از وی به محمد ابن وهاب و وهابیان تندرو برمی‌گردد. (جعفر سبحانی، ۱۳۹۳، ۱۵). به‌هرحال در این عصر ما، القاعده و داعش همان گروه وهابی و سلفی است که رویکرد تکفیری دارد و آن‌ها درصدد مقابله با تمام کسانی هستند که مخالف عقاید آنان می‌باشند. بالاخره دو گروه که به نام‌های القاعده و داعش زاییده وهابیت هستند، از خطر ناکثرین و پرچال‌ترین و از اساسی‌ترین نقاط ضعف جامعه اسلامی و به‌خصوص غرب آسیا می‌باشند.

۴-۱. القاعده

اولین و گسترده‌ترین سازمان جهادی سلفی بین‌المللی که با شعارهای اسلامی و متأثر از تفکرات ابن تیمیه توانست نقاب زشت تروریسم را در صحنه جهانی، بر چهره اسلام و مسلمانان تحمیل کند، سازمان القاعده بود که پس از عملیات یازده سپتامبر به نمادی برای کشتار تبدیل شد. این تشکیلات تروریستی در ابتدا پرچم مبارزه علیه آمریکا و صهیونیست را برافراشت؛ اما پس از مدتی شمشیر تکفیر و کشتار را بر گردن ملت‌های مسلمان در کشورهای مختلف اسلامی قرارداد و بیشترین ضربه‌ها را به جوامع اسلامی وارد کرد. این شجره خبیثه و شاخه‌های برگرفته از آن، تاکنون نیز با تکفیر مسلمانان، در کشورهای اسلامی، مانند سوریه، عراق، یمن، نیجریه و افغانستان به عملیات تروریستی دست‌زده است.



البته گروه تروریستی القاعده آثار و پیامدهای زیان باری زیادی را در جامعه اسلامی و غرب آسیا تحمیل کرد که به عنوان نمونه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌نمایم. ۱- از جمله آثار زیان‌آوری این گروه در منطقه، به وجود آوردن اختلافات مذهبی بود که همواره در پررنگ کردن اختلافات مذهبی میان مذاهب اسلامی تلاش می‌کرد و بسیاری از مذاهب اسلامی را از فرایند اسلام بیرون می‌دانست و شیعیان و بسیار از اهل سنت را نیز کافر و مهدور الدم و ریختن خون آنان را واجب می‌شمردند. از مهم‌ترین اقدامات القاعده ایجاد فتنه مذهبی و جنگ داخلی در جامعه اسلامی بود. (سید علی نجات، ۱۳۹۵، ص ۵۰). بنابراین القاعده «اختلافات بین شیعه و سنی را هرچه بیشتر دامن زده و می‌زند.» (احمد کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷). ۲- اسلام هراسی دیگر از پیامدهای گروه تروریستی القاعده در سطح بین‌الملل بود. موج ترور و خشونت‌گرایی، بدون تردید محصول عملکرد گروهی به نام القاعده است. (عبد الوهاب فراتی، ۱۳۹۱، ص ۲). این گروه چهره‌ای منفوری از دین اسلام را در جهان نمایش داده و می‌دهند. (سید علی بطحائی، ۱۳۹۳، ص ۹۲). ۳- از آثار مهم و مخرب سازمان القاعده ایجاد تنش، جنگ و ویرانی، بمب‌گذاری و انتحار در جامعه اسلامی و غیر آن بود. این گروه تروریستی توانستن که در بسیاری از کشورهای غرب آسیا و جهان حمله انتحاری انجام دهد. «به طوری که ما شاهد حملات انتحاری و جنگ آنان علیه مسلمانان جهان مخصوصاً صوفیان و شیعیان نیز بودیم.» (مجید فاطمی نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۲). ۴- از نتایج دیگری گروهی تروریستی القاعده شکل گرفتن گروه‌های تروریستی داعش، طالبان، النصره، سپاه صحابه، بوکوحرام و گروه‌های دیگری تروریستی در جهان اسلام می‌باشد. بسیاری از گروه‌های تروریستی منطقه وام‌دار و یا زاییده گروه تروریستی القاعده می‌باشند، بویژه گروه تروریستی داعش که «متأثر از رویکردهای سیاسی القاعده است.» (حمید رضا اکبری، ۱۳۹۵، ص ۴).



۴-۲. داعش

از آغاز بحران‌های تروریستی در سوریه از سال ۲۰۱۱ م، بیش از ۵۵۴۶ گروه تروریستی مخالف حکومت بشار اسد اعلام موجودیت کردند؛ اما برخی از این گروه‌ها، دست به ائتلاف زد و جبهه‌های بزرگ‌تری را تشکیل داده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به «داعش» یا «دولت اسلامی عراق و شام»، «جبهه اسلام» و «جبهه انقلابیون سوری» و «جیش المجاهدین» و «النصره» اشاره کرد. (علی آدمی، ۱۳۹۵، ص ۲). وجود داعش و گسترش آن، برآیند منافع برخی کشورهای منطقه و رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان آن‌ها، بازیگرانی قدرت‌های فرا منطقه‌ای می‌باشد که کنکاش در سیر شکل‌گیری این گروه، بیانگر ریشه بنیادی و استوار سازی فلسفه داعش بر خرابه‌های به جای مانده از القاعده است. امروزه گروه‌های افراطی بی‌شماری در سطح جهانی با بهره‌گیری و تقلید از اهداف، ایدئولوژی و شیوه القاعده به فعالیت‌های تروریستی می‌پردازند، بدون اینکه به لحاظ سازمانی به آن مرتبط باشند. (مهدی عباس زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱). داعش یک سازمان تکفیری است که تفکر سلفی - تکفیری را بهترین گزینه برای تغییر و تشکیل حکومت در جهان می‌داند. این سازمان سعی در اجرای افراطی احکام خود و اعمال مجازات شدید بر مسلمانان در دادگاه‌های خاص خود دارد. باینکه داعش خود را سنی مذهب و تابع سلف می‌داند؛ ولی مؤسسات اسلامی اهل سنت از جمله الازهر مصر و اتحادیه علمائی مسلمین از اقدامات داعش اعلام برائت کرده و داعش را یک «موجودیت شیطانی»، «دشمنان اسلام»، «خوارج زمان» و «دست‌پرونده سازمان‌های جاسوسی خارجی» توصیف کرده‌اند. (شیرین کسرائی، ۱۳۹۳، ص ۱۸).

۴-۲-۳. اهداف و کارکرد داعش

یکی از کارکردهای مهم داعش، «شیوه عمل داعش و استناد و تمسک سطحی این گروه به اسلام و توجیه اعمال غیرقابل‌پذیرش خود به نام اسلام می‌باشد،

درنهایت به ضرر تمام جریان‌های اسلامی که هدف خود را دفاع از کیان امت اسلامی و مقابله با دشمنان واقعی اسلام، نظیر رژیم صهیونیستی قرار داده‌اند، تمام خواهد شد.

۴-۳-۴. اشاعه ترس وحشت

یکی از اهداف و عمل کرد داعش ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است. این گروه تروریستی در پی انتشار گسترده ویدئوکلپ‌های از اعمال وحشیانه خود، نظیر بریدن سر افراد و کشتارهای گروهی، ایجاد رعب و وحشت است. مشهورترین ویدئوهای داعش گردن زدن افراد است که آن‌ها را مرتد و کافر می‌خواند و در دل کویر به تصویر می‌کشد. انتشار این ویدئوها نیز بخشی از راهبرد گسترده‌تر رسانه‌ای داعش برای تحکیم تصویر و اشاعه ترس و وحشت در دل مردم است. (سید علی نجات، پیشین ص ۱۳۴)

۴-۳-۵. ایجاد تفرقه و دشمنی میان مذاهب

موضوع تفرقه و اختلاف‌افکنی میان شیعه و سنی یکی از راهبردهای گروه تروریستی داعش است، این گروه از احساسات مذهبی در راستای ایده‌های رادیکالیسم خود بهره می‌گیرند.

۴-۳-۵. گفتمان داعش، بدیل سازی برای گفتمان مقاومت

الگوی اسلام داعشی که مظاهر آن ترویج تعصب، تحجر و خشونت میان مذاهب اسلامی، مخالفت با ارکان تفکر و تمدن اسلامی، دامن زدن به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی در جهان اسلام و رواج تروریسم و خشونت در جهان است. «رنجبر شیرازی، ۱۳۹۳، ص ۵۳». حامیان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای داعش سعی بر این داشتند که مدل داعش را در برابر گفتمان مقاومت قرار دهند و الگوی مقاومت را با شیوه و مدل تکفیری نابود سازند؛ اما در این فرایند حامیان تکفیر، موفق نخواهند بود.

۴-۳-۶. انحراف بیداری اسلامی

بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین ضربات پدیده شوم تکفیر به جهان اسلام انحراف



موضوع بیداری اسلامی بوده است. در ابتدائی کلید خوردن فرایند بیداری اسلامی در منطقه، تکفیری‌ها کوشیدند که نسخه بدلی از بیداری اسلامی را در سوریه ارائه کنند و با این نگاه، جنایات سازمان‌یافته خود را در سوریه آغاز کردند. تبلیغات غربی و عربی هم به کمک آن‌ها شتافت و تلاش کرد که در مصر، لیبی، تونس و نقاط دیگر به عنوان بیدار اسلامی به وقوع پیوسته بود با رخدادهای سوریه همسان‌سازی کند. در واقع سوریه را نقطه آغاز تلاش جریان تکفیری برای مقابله با بیداری اسلامی قلمداد کرد. پس از آن هم جریان تکفیر را به تمامی کشورهای میزبان بیداری اسلامی تسری داد و تلاش کرد در مقابل جریان اصلی و واقعی قرار گیرد. (رضا، شاه‌قلیان، ۱۳۹۵، صص ۱۳۶-۱۳۷).

اگرچه بحران‌های متعددی را غرب آسیا تجربه کرده است و در شرایط فعلی نیز بحران‌های زیادی در این منطقه وجود دارد. از جمله بحران مشروعیت، بحران نفوذ، بحران توزیع، بحران مشارکت و بحران هویت، مضاف بر این‌ها بحران یمن و سوریه که غرب آسیا به شدت از آن‌ها رنج می‌برد.

۵: راهبردهای مواجهه با تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها جهت تقویت روند منطقه‌گرایی

الف. راهبرد توسعه یا پیشگامی

در این راهبرد غرب آسیا با توجه به قوت‌ها و توانمندی‌های داخلی و همچنین فرصت‌های به‌دست‌آمده در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی در پی توسعه و نفوذ باشد. این استراتژی در واقع پیشگامی در تحولات منطقه‌ای است. در این استراتژی باید به بهترین نحو از فرصت‌های به‌دست‌آمده برای پیشبرد و توسعه منافع امت اسلامی استفاده کرد. برای ترسیم راهبرد توسعه و پیشگامی ابتدا نقاط قوت و فرصت در جدول زیر ترسیم می‌شود:



فرصت‌ها		قوت‌ها
فروپاشی ساختار دوقطبی	۰۱	شکل‌گیری محور مقاومت
جهانی‌شدن ارتباطات و اطلاعات	۰۲	بیداری اسلامی
افزایش نقش بازیگران غیردولتی	۰۳	محدود شدن قدرت اسرائیل

با توجه به فرصت‌ها و قوت‌ها بیان‌شده در جدول، می‌توان راهبرد توسعه و پیشگامی را به‌صورت زیر تشریح کرد.

۱-۱-۵. تقویت فرایندهای درون منطقه‌ای

در دهه‌ای اخیر سازمان‌دهی نوین کشورها با انگیزه‌های کاملاً اقتصادی، نظامی و سیاسی با ساختارهای مبنی بر همه انگیزه‌ها استوار شده است. موجودیت‌های تازه تنها حاصل جمع اجزای تشکیل‌دهنده خود نیستند، بلکه می‌توانند خود در صحنه بین‌المللی بازیگر باشند. (لورو، پاسکال وتوال، فرانسو، ۱۳۸۱، ص ۷۴). کشورها به‌قصد اتحاد سیاسی، اقتصادی و دفاعی برای ائتلاف گرد هم می‌آیند تا حداکثر منافع موردنظر خود را تأمین نمایند. (پیتز، هاگت، ۱۳۷۵، ص ۳۹۴). اتحادها از مجموعه‌ای از منافع کشورها بروز می‌کند، این منافع ممکن است مکمل یا مشابه یکدیگر باشند که دستیابی به آن‌ها نیازمند هماهنگی کشورها در قالب همگرایی منطقه‌ای است. (محمدرضا، حافظ نیا، ۱۳۷۹، ص ۷۳). همگرایی منطقه‌ای نوع درهم‌آمیزی اقتصادی، سیاسی و استراتژیک کشورها در منطقه‌ای ویژه‌ای برای پدید آوردن یک نظام منطقه‌ای یکپارچه است. (پیروز، مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۰۵). اما کشورهای غرب آسیا «با برخورد منطقی و تدریجی می‌توانند به آرمان صلح از طریق ایجاد و تقویت همکاری فرایندهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در سطح منطقه یا نواحی جغرافیایی خود دست یابند.» (علی‌اصغر، کاظمی، ۱۳۷۲، ص ۴۹۹) و با حفظ ممیزات خود، حول مشترکات خویش به اتحاد و اتفاق دست یابند. (رضا،

وطن دوست، ۱۳۸۸، ص ۱۵). به هر حال تقویت سیاست همسوی و هماهنگی را قرآن کریم در جامعه اسلامی به این تعبیر گوه‌رین بیان نموده است «انما المومنون اخوه» (قرآن کریم، حجرات، آیه ۱۰). یعنی فرهنگ برادری و همگرایی ایمانی را در جامعه توحیدی پی ریخت و پیوندی عمیق با محوریت ایمان در میان یگانه پرستان پدید آورد. این پیوند با روایاتی همچون «المومن اخو المومن» (محمد باقر، مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۷۴). و «المسلم اخو المسلم» (ملا محسن، فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ص ۶۸). تأکید مضاعف یافت. از این رو همگان را موظف کرده است که به سوی برادری و همسوی و هماهنگی حرکت نماید خصوصاً غرب آسیا که این اصل برادری را نصب العین خود قرار دهند و به آن جامعه عمل بی پوشاند.

۵-۱-۲. تقویت فرایند همگرایی اقتصادی منطقه‌ای

ناگفته پیداست که «تأثیر گذاری قابل توجه روابط اقتصادی، در تقویت همبستگی و همگرایی میان ملت‌ها منطقه دارد. تجربه نیز ثابت کرده است که به هر میزان کشورهای غرب آسیا در ارتقاء سطح مناسبات اقتصادی و تجاری خود کوشیده‌اند به همان نسبت نیز از حجم اختلافات سیاسی و فرهنگی آنان کاسته شده است.» (سید جلال، میر آقایی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵). امروزه علیرغم پیچیدگی ابزارها و نهادهای مربوط به روابط تجاری و اقتصادی میان بشری، می‌توان از همکاری‌های اقتصادی و تجاری علاوه بر سودمندی‌های آن در ایجاد شرایط مناسب جهت نیل به اهداف توسعه اقتصادی و تجاری و ارتقاء سطح رفاه غرب آسیا به عنوان مرحله‌ای اساسی در جهت تحقق همبستگی و وحدت منطقه‌ای از آن بهره جست و بسیاری از موانع و اختلاف موجود بر سر راه همکاری‌های سیاسی و فرهنگی را نیز از میان برداشت. (همان، ص ۲۶۴).



۵-۱-۳. تقویت فرایند همگرایی سیاسی منطقه‌ای

پروژه همگرایی به گفته جوهان کالتونگ یکی از تئوریسن‌های برجسته همگرایی دو یا چند بازیگر سیاسی تبدیل به یک موجودیت سیاسی واحد گردیده و در این‌ها است که پروژه همگرایی کامل می‌گردد. (یدالله، محمدی، ۱۳۷۰، ص ۴۵). یکی از راهبردهای غرب آسیا همگرایی سیاسی می‌باشد که «دولت‌ها و دولت‌مردان در جایگاه عناصری که تصمیمات و اراده آن‌ها نقش مهمی در حرکت به سوی همگرایی فرهنگی، مذهبی و اقتصادی دارد، پیش از هر اقدام ایده همگرایی را باور و درک کنند، همگرایی سیاسی گام مهمی در روند همگرایی غرب آسیا دارد. دولت‌های اسلامی غرب آسیا باید وحدت را همچون یک اصل مسلم باور کرده و آن را مبنای سیاست‌های عمومی خویش قرار دهند و در راستای حذف تعصب و طایفه‌گری حرکت نمایند، اتخاذ سیاست قوی، همکاری و تنظیم سیاست‌های مشترک منطقه‌ای را داشته باشند، تعریف یک قدرت منطقه‌ای را فراهم آورد تا منافع کلیه کشورهای اسلامی غرب آسیا تأمین گردد.» (سید یحیی و سید جواد، میر خلیلی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴). غرب آسیا برای صیانت از هویت خویش چاره‌ای جز اتحاد و روی آوردن به اصول و آیین جهان‌شمول اسلام که بر ملی‌گرایی ترجیح دارد، ندارد. مبنای اتحاد امت اسلامی، نه دشمن مشترک و غرب، بلکه اسلام است. (کریم، خان محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۶).

۵-۱-۴. تقویت فرایند همگرایی امنیتی منطقه‌ای

امنیت به عنوان یک مقوله مهم و حیاتی در حیات و سرنوشت کشورها، از دیرباز مورد توجه قرار گرفته و به اتفاق، بر نقش حیاتی آن در حیات فردی و جمعی انسان‌ها در قالب کشورها، مناطق و جهان تأکید شده است. کشورهای منطقه غرب آسیا از لحاظ امنیتی با چالش‌های جدی مواجه هستند که البته بخشی از این چالش‌ها از خارج بر آن‌ها تحمیل شده است؛ اما بخش دیگر آن ناشی از درک نادرست از یکدیگر است که هر یک از این کشورها دیگری را تهدیدی برای خود تلقی



می‌کند. همگرایی نقش مهمی در ایجاد امنیت منطقه‌ای و ملی دارد؛ زیرا به هر مقدار که بازیگران منطقه به یکدیگر نزدیک شوند بر امنیت آن‌ها افزوده می‌شود. «امنیت مبتنی بر همکاری»، مؤثرترین شیوه برای امنیت منطقه‌ای غرب آسیا است؛ زیرا اولاً، به جنبه‌های غیرنظامی امنیت توجه دارد. ثانیاً، به بازیگران غیردولتی در صحنه بین‌المللی نقش داده و دامنه همکاری را گسترش می‌دهد. برخلاف ساختارهای دیگر که دولت‌محورند، این ساختار با واقعیات موجود، که بر عدم توانایی صرف دولت‌ها در برقراری امنیت دلالت دارند، بیشتر هماهنگی دارد. ثالثاً، با توجه به آموزه‌های اسلام درباره امنیت، آن را مایه آرامش و از مقدس‌ترین آرمان‌های بشری قلمداد می‌نماید. از جمله اینکه ارمغان الهی است، شهری که از امنیت برخوردار باشد الگو و نمونه و سرزمین ایده آل است. ایمان، اسلام، تعاون و همکاری بر تقوا را امنیت آور معرفی می‌نماید، امنیت مبتنی بر کار جمعی و متکی بر قدر مشترک است، مشارکت جمعی و سرانجام، امنیت ضروری است. (عباسعلی، عمید زنجانی، ۱۳۷۳، صص ۳۸۳ - ۳۸۶).

ب. راهبرد بازدارندگی یا تمرکز

راهبرد بازدارندگی بر اساس شناخت نقاط قوت - تهدید تدوین می‌شود. در این حالت تلاش می‌شود تا از طریق قوت‌ها، تهدیدها کنترل و یا کاهش یابد.

تهدیدها		قوت‌ها
مداخله نظامی آمریکا	۰۱	شکل‌گیری محور مقاومت
طرح خاورمیانه بزرگ	۰۲	بیداری اسلامی
جهانی‌سازی	۰۳	محدود شدن قدرت اسرائیل

بازدارندگی مبتنی بر روابط میان بازیگران غرب آسیا و قدرت‌های فرا منطقه‌ای است. بازدارندگی نوعی راهبرد برای حفظ وضع موجود و دستیابی به سازش

است. بازدارندگی به عنوان یک راهبرد درصدد آن است که متخاصمان را از قدرت تصمیم گیری برای کاربرد نیروی نظامی ناتوان سازد. (آندره بوفر، ۱۳۶۶، ص ۲۳).

۵-۲-۱. ایجاد دیپلماسی نظامی منطقه‌ای

یکی از راهبردهای مهم، در غرب آسیا که دربردارنده نقاط قوت منطقه است، ایجاد همکاری نظامی میان نیروهای نظامی و انتظامی منطقه می‌باشند. «ازجمله همکاری‌های که می‌تواند پایه‌های اخوت و برادری امت اسلامی را استحکام بخشیده و زمینه را برای بازگرداندن عزت و شوکت اسلامی به کشورهای غرب آسیا و ایجاد امت واحده قدرتمند آماده سازد ایجاد دیپلماسی نظامی منطقه‌ای و انعقاد پیمان‌های دفاعی مشترک میان کشورهای اسلامی غرب آسیا، با انجام مانورهای مشترک دریایی، زمینی و هوایی می‌باشد که این امر می‌تواند نقش بسیار حیاتی و تعیین کننده‌ای در جهان به سوی تک قطبی شدن امروز داشته باشد و بهانه را از حضور گسترده نیروهای بیگانه در سرزمین‌های اسلامی منطقه سلب نمایند و ثبات و امنیت منطقه را با بهره گیری از نیروهای خودی و با کمترین هزینه و بدون تبعات جانبی تأمین نمایند.» (سید جلال، میر آقایی، پیشین، ص ۲۰۹). این امر علاوه بر دفع تهدیدهای موجود، باعث ایجاد بازدارندگی منعطف و پویا می‌گردد.

۵-۲-۲. حمایت از بیداری اسلامی

یکی از راهبردهای بازدارندگی یا تمرکز، تقویت و حمایت از مبانی فکری و عقیدتی بیداری اسلامی در غرب آسیا است. این خیزش عظیم که بر اساس استکبارستیزی وجود گرفته است باید حمایت و تقویت شود «بیداری اسلامی در سراسر دنیای اسلام محسوس است، حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه دنیای اسلام مشاهده می‌شود، میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی که مایه عزت و پیشرفت و ترقی است. روشنفکران، علماء و سیاسیون دنیای اسلام این حرکت را باید حمایت و تقویت کنند. خطاست اگر کسانی در دنیای اسلام تصور کنند که حرکت بیداری اسلامی در بین جوانان به ضرر دولت‌های اسلامی است،



دولت‌های اسلامی به برکت بیداری اسلامی می‌توانند عزتی را که قدرت‌های استکباری از آن‌ها گرفته‌اند، به خودشان برگردانند.» (سید علی، خامنه‌ای، پیشین، ص ۳۰). به هر حال «زمانی به وحدت و همیاری در سطح ملت‌ها منجر می‌شود که اولاً، یک‌جهت فکری و ذهنی واحد در راستای حمایت از بیداری اسلامی تحقق یافته باشد. ثانیاً، روابط متقابل اجتماعی از استحکام لازم برخوردار باشد. ثالثاً، منافع عام اسلامی منطقه در نظر گرفته شود.» (محمد، فولادی، ۱۳۸۷، ص ۸۷).

۵-۲-۳. تقویت روحیه صهیونیسم‌ستیزی در منطقه

راهبرد اساسی که در فرایند همگرایی و همیاری کشورهای اسلامی غرب آسیا کمک می‌نمایند، راهبرد روحیه صهیونیسم‌ستیزی کشورهای اسلامی منطقه است. از زمان شکل‌گیری این رژیم تاکنون جنگ‌ها و کشتارها، ویرانی‌ها و آوارگی‌های زیادی در غرب آسیا، اتفاق افتاده است که سبب اصلی اکثریت این مشکلات و بحران‌ها رژیم اسرائیل در منطقه می‌باشد. ازاینجا است که «یکی از مهم‌ترین تهدیدهای سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه، سیاست‌های خصمانه رژیم صهیونیستی است. این رژیم تاکنون جنگ‌های متعددی را بر منطقه تحمیل کرده است که ازجمله می‌توان به جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اشاره کرد.» (یدالله، کریمی پور، ۱۳۹۰، ص ۲۷). هم‌چنین جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه را به وجود آورده است. به هر حال «امروز در منطقه ما، خطری که امنیت منطقه و تمامیت ارضی کشورهای منطقه و همسایه خود را تهدید می‌کند، خطر رژیم اشغالگر قدس است.» (مهدی، آهوی حانیه سامعی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳).

۵-۲-۴. تقویت محور مقاومت در منطقه

یکی دیگر از راهبردهای بازدارندگی که موجب برون‌رفت بحران‌ها و تهدیدهای منطقه می‌شود و باعث تقویت منطقه‌گرایی بر اساس فرصت‌ها و نقاط قوت غرب آسیا می‌گردد، راهبرد تقویت محور مقاومت است؛ زیرا محور مقاومت

به‌عنوان یک گفتمان فراگیر می‌باشد که جنبه سلبی و ایجابی در آن نهفته است. «در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه‌ستیزی، نفی سلطه، نفی استکبار و استبداد قرار دارد. در جنبه اثباتی محور مقاومت عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، عزت‌طلبی، اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است؛» (علیرضا، رضا خواه، ۱۳۹۲، ص ۳۳). چون که محور مقاومت «استقرار نظامی جدید مبتنی بر ارزش‌های دینی است.» (علیرضا، زهیری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴). جریان مقاومت یکی از اشکال حمایت از کرامت انسانی و بازسازی منشور اجتماعی و سیاسی است. (مجموعه مقالات، ۱۳۹۰، ص ۲۸۰).

پ. راهبرد بازنگری ی‌ا تنوع

در این راهبرد در ابتدا باید نقاط ضعف در محیط داخلی و فرصت‌ها در محیط خارجی شناسایی شود. سپس با استفاده از فرصت‌های به‌دست‌آمده در محیط خارجی و رفع ضعف‌های درونی، سیاست و راهبردها باید ترمیم شود. برای تبیین و تفسیر راهبرد بازنگری یا تنوع موارد را در ذیل اشاره خواهیم نمود که راهبرد فوق را روشن خواهد کرد.

فرصت‌ها		ضعف‌ها
فروپاشی ساختار دوقطبی	۰۱	بحران‌های مشروعیت، مشارکت، هویت، نفوذ، توزیع
جهانی‌شدن ارتباطات و اطلاعات	۰۲	پیدایش القاعده
افزایش نقش بازیگران غیردولتی	۰۳	پیدایش داعش

۵-۳-۱. آسیب‌شناسی بیدار اسلامی

یکی از راهبردهای که در فرایند امنیت، صلح، عدالت و ظلم‌ستیزی پایدار در غرب آسیا کمک می‌کند آسیب‌شناسی بیداری اسلامی می‌باشد که در حقیقت،

شناخت و مطالعه مجموعه عواملی است که در فرایند حرکت انقلاب در مسیر دستیابی به ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهدافش، مانع ایجاد کرده، آن را متوقف و یا به نحو چشم‌گیری کندتر می‌سازد. از این رو آسیب‌های داخلی و بیرونی بیداری اسلامی مورد شناسی قرار گرفته، با درایت و عقلانیت آسیب‌ها مهار شوند این از یک سو و از سوی دیگر از جهات سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای، مورد حمایت کشورهای اسلامی و ملت‌های منطقه قرار گیرد تا بتواند نهال بیداری اسلامی رشد نموده و همه جوامع اسلامی از ثمرات آن بهره‌مند شوند و در مقابل کشورهای غربی که سعی در جهت‌دهی انقلاب‌های منطقه دارند، تقویت کنند. «در شرایط فعلی لازم است که با توجه به فرصت‌ها و ضعف‌های بیان‌شده راه‌های نوین و متنوعی از بیداری اسلامی در ابعاد سیاسی، رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی شناسایی و به کار گرفته شود.» (محمد، ستوده و هادی ترکی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱).

۵-۳-۲. شناخت دقیق‌تر ظرفیت‌های گروه‌های اسلامی و انقلابی

شناسایی دقیق و عمیق از گروه‌های اسلامی که در منطقه غرب آسیا وجود دارند، به عنوان یک راهبرد اساسی می‌باشد که می‌توان از آن، در توسعه و همسوی منطقه استفاده کرد. به طور کلی سه گروه و الگوی عمده در غرب آسیا وجود دارند که همه گروه‌های دیگری که در منطقه هستند به این سه گروه ختم می‌شوند. البته «تحولات امروز منطقه غرب آسیا، شکل‌گیری و رقابت بین سه الگوی نوین هویتی را نشان می‌دهد که هر کدام از الگوها، با بازتولید هویت در یک‌روند تکاملی، بر اساس هویت تاریخی خود و در یک بستر اجتماعی صاحب نقش شده و برای رسیدن به جایگاهی بالاتر تلاش می‌کنند. از این رو در این مجموعه هویتی، آن‌ها را صاحب نقش ساخته و موجب شکل‌گیری سه الگوی سلفی نوین، اخوانی نوین و اسلام انقلابی شده است. الگوی سلفی با پیشاهنگی عربستان، به دنبال نظم خلیفه‌گرای جهانی، الگوی اخوانی با پیش‌قراولی مصر و ترکیه در پی احیائی نقش

سنتی‌شان در منطقه است و اسلام انقلابی با پیش‌قراولی جمهوری اسلامی ایران در پی ایجاد جبهه جدیدی از کشورهای منطقه برای ایفای نقش مؤثر اسلام سیاسی در صحنه بین‌الملل هست.» (غلامرضا، کریمی و ابوالحسن صفی نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۱).

۵-۳-۳. تحول در سیاست خارجی منطقه‌ای کشورهای اسلامی

یکی از راهبردهای اصلی منطقه غرب آسیا تحول در سیاست خارجی و تقویت روابط منطقه‌ای است که با این امر کشورها در منطقه می‌توانند به‌منظور اعتلای موقعیت خود در مسیر دستیابی به جایگاهی مطلوب در سطح بین‌الملل حرکت نمایند. از آنجا است که مکتب نورانی اسلام دستورات زیادی درباره روابط مسلمانان با سایر ملت‌ها دارد و قرآن کریم به‌صورت آمرانه، در بسیاری از آیات خواهان برقراری روابط مسالمت‌آمیز مسلمانان با سایر دولت‌ها شده است. «و ان جنحو للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم، و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درای و برخداوند تکیه کن که او شنوا و دانا است.» (قرآن کریم، انفال، آیه ۶۱). همین‌طور برخی از پژوهشگران اصول سیاست خارجی «کشورهای اسلامی برای دستیابی به توسعه و موقعیت مطلوب در سطح منطقه و نظام بین‌الملل را همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، چندجانبه‌گرایی و ائتلاف‌سازی می‌دانند.» (محمدجعفر، جوادی ارجمند، ۱۳۹۴، ص ۳۱۳). بدون تردید حوزه سیاست خارجی کشورهای منطقه به‌عنوان حلقه وصل کشورها به عرصه بین‌المللی از اهمیت بسیار بالایی جهت نیل به این هدف برخوردار است. (محمد، اکرم نیا، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

۵-۳-۴. تقویت روابط میان بازیگران غیردولتی

هرقدر تقویت روابط میان بازیگران غیردولتی بیشتر باشد، بهتر می‌توان ضعف‌های موجود را کاهش داد و از فرصت‌های ایجادشده برای تقویت روابط بازیگران غیردولتی و حتی میان کشورهای اسلامی غرب آسیا استفاده کرد. ضعف در فرهنگ همکاری و بی‌توجهی به‌ضرورت هماهنگی و کار دسته‌جمعی، موجب افت کارآیی بازیگران غیردولتی و دولت‌ها در مواجهه با نهاد و مجامع فراملی



می‌شود.» (نسرین، مصفا و جواد امین منصور، ۱۳۹۲، ص ۳۸). در این میان، اگر بازیگران غیردولتی کشورهای غرب آسیا با یکدیگر هیچ گونه رابطه‌ای نداشته باشند، به دلیل فقدان گفتگو و مذاکره جهت حل و فصل مشکلات، بر شدت سوءبرداشت‌ها افزوده خواهد شد. این در حالی است که تبادلات دیپلماتیک احتمال خطا و اشتباه را در محاسبات طرفین کاهش می‌دهد و امکان حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات میان آن‌ها را فراهم می‌کند. (سید داوود، آقایی، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

ت. راهبرد دفاعی یا تدافعی

در این راهبرد تلاش می‌شود تا از طریق شناخت نقاط ضعف و تهدیدها، راهبردهای ممکن برای بقا بیان شود.. از این جهت است که برای توضیح این راهبرد می‌توان چند مؤلفه را بیان نمود.

تهدیدها		ضعف‌ها
مداخله خارجی	۰۱	بحران‌های مشروعیت، مشارکت، هویت، نفوذ، توزیع
طرح خاورمیانه بزرگ	۰۲	پیدایش القاعده
جهانی‌سازی	۰۳	پیدایش داعش

۵-۴-۱. تقویت وحدت و انسجام درون منطقه‌ای

تقویت وحدت و انسجام میان کشورهای اسلامی غرب آسیا، یکی از راهبردهای اساسی منطقه به حساب می‌آید که باید این راهبرد در این کشورهای مزبور تقویت شود. میان دولت‌ها و نخبگان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب آسیا انسجام و همدلی بیشتر باشند، کشورها بهتر می‌تواند خودشان را در برابر آسیب‌ها و ضعف‌ها ایمن سازند و تهدیدهای برون مرزی را کاهش و جنبه‌های دفاعی خودشان را در مقابل سیاست‌های قدرت‌های بیگانه افزایش دهند. هرچه انسجام کشورهای منطقه بیشتر باشد، قدرت کشورها بیشتر خواهند شد، در نتیجه نفوذ و اقتدار کشورها

نیز در منطقه افزایش خواهند یافت. (محمد، ستوده و هادی ترکی، پیشین، ص ۱۶۳). در نیل به این امر مهم، ضروری است که مسلمانان منطقه به خصوص دولت‌های اسلامی و روشنفکران و اندیشمندان اسلامی نیز با حمایت قلمی، بیانی و عملی در به فعلیت رساندن ظرفیت‌های عظیم منطقه بستر وحدت و انسجام اسلامی را در عمل و هدف فراهم نمایند. (مجموعه مقالات، پیشین، ص ۴۹). و همگام با تساهل و تسامح، دوری از سیاست‌های تفرقه‌برانگیز را داشته باشند. (سید جلال، میر آقایی، پیشین، ص ۱۴۵).

۵-۴-۲. تقویت روند تنش‌زدایی و اعتمادسازی درون منطقه‌ای

تنش‌زدایی به معنای کاهش تنش میان دولت‌ها است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در عرف سیاست بین‌المللی رایج گردید. «قاسم، قاسم‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۷۹». سیاست تنش‌زدایی ضمن قبول وجود نظام‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی متضاد، با بهره‌گیری از ضرورت تأمین امنیت منطقه‌ای و جهانی معتقد است که نباید اجازه داد اختلافات ایدئولوژیکی و سلیقه‌های سیاسی بر روابط میان کشورها تأثیر بگذارد. باید فضایی در روابط دوجانبه و چندجانبه شکل گیرد که تفاهم و اعتماد متقابل جایگزین ترس و سوءظن شود. (محمدحسین، جمشیدی، احمد سلطانی نژاد و جلیل بیات، ۱۳۹۵، ص ۴۲). بدین‌سان کشورهای غرب آسیا «با الهام از اصول همزیستی، همکاری و همیاری با جوامع دیگر و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی، بر مسائل و مشکلات فائق آیند و با اتخاذ تنش‌زدایی و اعتمادسازی و منافع مشترک موضوعات منطقه‌ای و جهانی در جهت کاهش زمینه‌های ناامنی در منطقه و جهان حرکت نمایند و از بازی حاصل جمع صفر خودداری کرده و به انگیزه و علائق و منافع یکدیگر احترام بگذارند و زمینه‌های تبدیل گرایش‌های تخاصمی و رقابتی را به تمایلات همکاری و همیاری فراهم سازند. (محمد، ستوده، ۱۳۸۶، صص ۲۳۳-۲۳۴).



۵-۴-۳. تقویت اقتصادی درون منطقه‌ای

بدون تردید ثبات سیاسی کشورهای اسلامی غرب آسیا، باثبات اقتصادی آن‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد به گونه‌ای که هرگونه بحران و بی‌ثباتی در این منطقه مانع از بهره‌گیری مؤثر از موقعیت جغرافیایی، اقتصادی کشورهای اسلامی غرب آسیا، به‌عنوان پل ارتباطی مناسب بین شرق و غرب، جنوب و شمال خواهد بود. حوزه جغرافیایی کشورهای اسلامی منطقه یکی از مناطق مهم و موردتوجه راهبردی بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است که به لحاظ بافت فرهنگی و موقعیت راهبردی و اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

موقعیت جغرافیایی در توسعه و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اسلامی نقش اساسی ایفا نموده و عامل مؤثری برای همگرایی و همکاری‌های کشورهای اسلامی غرب آسیا می‌باشد. (سعید، محمدی و علی‌اکبر ولایتی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۶۴). هرچند برخی از نشانه‌های همگرایی در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در نهادهای همچون اکو، شورای همکاری خلیج فارس، اوپک و اتحادیه عرب وجود دارند که هیچ‌کدام این‌ها کامل نیست و محدود به چند کشور است و همه کشورهای اسلامی غرب آسیا را تحت پوشش ندارند؛ ولی می‌توان ضعف‌های آن‌ها را برطرف کرد و از موارد فوق در جهت همکاری اقتصادی منطقه‌ای استفاده نمود.



نتیجه گیری

فروپاشی ساختار دوقطبی برای کشورهای اسلامی غرب آسیا، فرصت بسیار مهم و ارزنده‌ای را فراهم آورد که کشورهای اسلامی منطقه از این فرصت پیش آمده مانند اعتمادسازی، امنیت دسته جمعی، جهانی شدن ارتباطات و اهمیت نقش بازیگران غیردولتی در فرایند همگرایی منطقه‌ای بهره بگیرند. تهدیدهای نیز در غرب آسیا وجود دارند مثل مداخله نظامی آمریکا، طرح خاورمیانه بزرگ و جهانی سازی که پیامدهای ناگواری را در منطقه تحمیل نموده است. غرب آسیا نقاط قوت بسیار سازنده‌ای را نیز در درون خود در جهت همگرایی و همسوی دارد، مثل شکل گیری محور مقاومت، محدود شدن قدرت اسرائیل و بیداری اسلامی که با توجه به این نقاط قوت می توانند نقاط ضعف که در درون منطقه غرب آسیا، به عنوان مانع همگرایی منطقه‌ای هستند مانند القاعده، داعش و گروه‌ها تروریستی تکفیری- سلفی را کنترل نمایند. غرب آسیا، با توجه به ترکیب فرصت‌ها و تهدیدها و همچنین قوت‌ها و ضعف‌های بیان شده، برای برون رفت از این مشکلات، توجه جدی و عملی، به راهبردهای چهارگانه توسعه یا پیشگامی را با زیرمجموعه‌های آن و راهبرد بازنگری یا تمرکز را با مؤلفه‌های مرتبط با آن، همین‌طور راهبردهای بازنگری یا تنوع و دفاعی یا بقائی را با شاخصه‌های شان نمایند و از این موارد فوق در جهت تقویت روند همگرایی استفاده کند. بدون تردید در پرتوی راهبردهای مذکور تهدیدها و ضعف‌های موجود، کشورهای اسلامی منطقه مهار خواهند شد.



فهرست منابع

۱. آقایی، سید داوود، آداب دیپلماسی و فنون مذاکره، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۲. آندره بوفر، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۶.
۳. اندیشمندان جهان اسلام، امت اسلامی و برنامه‌های راهبردی برای رویارویی با چالش‌های فرا روی وحدت، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۰.
۴. تهرانیان، مجید، جهانی‌شدن چالش‌ها و ناامنی‌ها، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
۵. پاسکال، لورو وتوال، فرانسو، کلیدهای ژئوپلیتیک، ترجمه حسن صدوق ونینی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۶. پیرس، جان، ریچارد کنت رابینسون، برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه، مهرباب خلیلی شورینی، چ ۲، تهران، یادواره کتاب، ۱۳۸۰.
۷. ثانی، رضا، زیر موج جهانی‌شدن، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۲.
۸. چامسکی، نوام و ژیلبر آشکار، قدرت ویرانگر، ترجمه محمدرضا شیخی محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.
۹. حافظ نیا، محمدرضا، مبانی مطالعات سیاسی- اجتماعی، ج ۲، قم، سازمان مدارس و حوزه‌های علمی خارج از کشور، ۱۳۷۹.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی، چ دوم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۱. خسروی، غلامرضا، آمریکا و خاورمیانه راهبردها و چالش‌ها، چ ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
۱۲. دفرونزو، جیمیز، انقلاب اسلامی ایران از چشم‌انداز نظری، ترجمه حمیرا مشیرزاده،

۱۳. دیوید ای، لیک و پاتریک ام. مورکان، نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت سازی در جهان نوین، چاپ اول، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، ۱۳۸۱

۱۴. ستوده، محمد، تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چ ۲، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۱۵. شیرازی، رنجبر و همکاران، جریان شناسی داعش، تهران، انتشارات سخنوران، ۱۳۹۳.

۱۶. صادقی، حسین، طرح خاورمیانه بزرگ، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

۱۷. عبدالله خانی، علی، کتاب آمریکا ۲، چاپ نخست، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.

۱۸. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۷۲.

۱۹. عزیززاده، حسن، فرهنگ خاص علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۸۱.

۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی حقوق بین‌المللی اسلام، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.

۲۱. عبدالله خانی، علی، تهدیدات امنیت ملی، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶.

۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن، التفسیر الصافی، ج ۲، چ دوم، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۶ ق.

۲۳. کاظمی، علی اصغر، سازمان‌های بین‌المللی در تئوری و عمل، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲.

۲۴. کچویان، حسین، نظریه جهانی شدن، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.

۲۵. متقی، ابراهیم، تحول طرح‌های خاورمیانه آمریکا، چ ۱، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.

۲۶. مجتهد زاده، پیروز، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت، ۱۳۸۱.

۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۴، الطبعة الثالثة، بیروت، ۱۴۰۳.

۲۸. مجموعه مقالات بیست و دومین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، چ ۱، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۰.

۲۹. مجیدی محمدرضا و همکاران، غرب آسیا، نظام بین‌الملل و همگرایی منطقه‌ای، تهران،



- پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.
۳۰. مجیدی، محمدرضا و احمد خامسان، امنیت انسانی در غرب آسیا، چ ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
۳۱. میر آقاي، سيد جلال، جهان اسلام مشکلات و راهکارها، چ ۱، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۲. نجات، سيد علی، کالبدشکافی داعش، تهران، موسسه فرهنگ مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۵.
۳۳. نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، چاپ چهاردهم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
۳۴. هاگت، پیتر، جغرافیای ترکیبی نو، ج ۲، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
۳۵. وطن‌دوست، رضا، وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی، چ ۱، مشهد، انتشارات علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۸.
۳۶. یوسفی، بتول، پژوهش پیرامون مبانی نظری بیداری اسلامی در قرن اخیر، چاپ اول، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.
- مجلات
۳۷. آدمی، علی، تأثیر تهدیدهای گروه‌های سلفی - تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۵.
۳۸. آهوی، مهدی و حانیه سامعی، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۳، سال ششم، تابستان ۱۳۹۵.
۳۹. اعطایی، فرهاد و فهیمه سردشتی، همگرایی میان کشورهای عضو اتحادیه عرب، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۸۹.
۴۰. اکبری، حسین، پدیده مقاومت، بستر ساز اعمال قدرت فراملی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۶، ۱۳۸۸.

۴۱. اکبری، حمیدرضا، چگونگی نقش آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه، جستارهای سیاسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵.

۴۲. امینی، آرمین، اکبری، مرتضی، نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحولات غرب آسیا مطالعه موردی مصر و تونس، مطالعات عملیات روانی شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۱.

۴۳. اکرم نیا، محمد، راهبردهای تقویت موقعیت کشورهای اسلامی در غرب آسیا، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۲.

۴۴. سید علی، بطحایی، بوکو حرام طعم تلخ اسلام تکفیری با چاشنی عقل‌گریزی و خشونت، ویژه‌نامه مکر و تکفیر، شماره دوم، ۱۳۹۳.

۴۵. جمشیدی، محمدحسین و احمد سلطانی نژاد و جلیل بیات، نقش ارتباطات میان فرهنگی در تصمیم کشورهای به تنش‌زدایی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست دوم، زمستان ۱۳۹۵.

۴۶. دهقانی، حمیدرضا، بحران‌های پیش روی اسرائیل، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۷.

۴۷. رضا خواه، علیرضا، بیداری اسلامی و آینده محور مقاومت، ماهنامه زمانه، شماره ۳۱ و ۳۲، شهریور و مهر ۱۳۹۲.

۴۸. زهیری، علیرضا، انقلاب اسلامی و هویت ملی، نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، ش ۱۶، ۱۳۸۰.

۴۹. سبحانی، جعفر، ریشه‌های پدیده تکفیر و انگیزه تشکیل کنگره جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ویژه‌نامه مکر و تکفیر ۲ کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علماء اسلام، شماره دوم، آبان ۱۳۹۳.

۵۰. ستوده، محمد و هادی ترکی، بیداری اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجله علوم سیاسی، سال ۱۸، ش ۷۱، پاییز ۱۳۹۴.

۵۱. شاهقلیان، رضا و علی‌اکبر رستمی، تبیین زیر ساختارهای ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۸۳، زمستان ۱۳۹۵.



۵۲. عباس زاده فتح آبادی، مهدی، بنیادگرایی اسلامی و خشونت با نگاه بر القاعده، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.
۵۳. فاطمی نژاد، مجید، برداشت‌های القاعده از افکار جهادی سید قطب، پژوهش‌نامه نقد و هابیت سراج منیر، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۲.
۵۴. فراتی، عبدالوهاب و مهدی بخشی شیخ احمدی، اسلام سیاسی و القاعده، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱.
۵۵. فولادی، محمد، استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی، مجله معرفت، شماره ۱۲۶، خرداد ۱۳۸۷.
۵۶. قاسم‌زاده، قاسم، سیاست تنش‌زدایی و تجدید روابط سیاسی ایران و مصر، دو فصلنامه مطالعات آفریقا، شماره سوم، ۱۳۷۹.
۵۷. کاظمی، احمد، تروریسم تکفیری داعش و محور مقاومت ضد صهیونیستی، علوم سیاسی فرهنگ اسلامی، شماره ۱۷، آذر ۱۳۹۳.
۵۸. کریمی پور، یدالله، بررسی زمینه‌های جابه‌جایی کلان جنگ‌های فراگیر در خاورمیانه، مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۱، شماره ۲۲، ۱۳۹۰.
۵۹. کریمی، ابوالفضل، نقش ج.ا. ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۰، مرداد، ۱۳۹۶.
۶۰. کوه‌کن، علیرضا، جستاری در عملکرد اپیک در سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده، راهبرد توسعه، شماره ۱۶، ۱۳۸۷.
۶۱. کریمی، غلامرضا و ابوالحسن صفی نژاد، بررسی تطبیقی الگوهای نوین هویتی در منطقه غرب آسیا، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، ش ۳۶، بهار ۱۳۹۳.
۶۲. محمدی، سعید و علی اکبر ولایتی و دیگران، نشست علمی همگرایی امنیتی در جهان اسلام، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۹۵ و ۹۶، مهر و آبان ۱۳۸۷.
۶۳. محمدی، یدالله، همگرایی و سیر تطور و تکامل آن، مجله علوم اسلامی، زمستان ۱۳۷۰.
۶۴. مصفا، نسرين و جواد امین منصور، نقش جمهوری اسلامی ایران در نهادهای منطقه‌ای و

بین‌المللی، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، ش ۱، ۱۳۹۲.

۶۵. موسوی، سید حسین، امنیت منطقه‌ای و کارکرد رژیم اعتمادسازی، دانش‌نامه حقوق و سیاست، شماره ۷ پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

۶۶. محمدی، کریم‌خان، اسلام غرب و رسانه‌ها، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، ش ۳۶، زمستان ۱۳۸۵.

۶۷. یزدان فام، محمود، دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸، بهار ۱۳۸۷.

روزنامه

۶۸. شیرین، کسرای، شورشیان صحرایی زیر چادر تکفیر، مقالات روزنامه ایران، سال ۲۰، ش ۵۷۲۸، ۵ شهریور ۱۳۹۳.



